



نخستین همایش ملی کودکی در ایران برگزار شد:

کودکی، گفتمانی به وسعت جهان

گزارش: سمانه آزاد

اشاره

آنتوان دوسنت اگزوپری، نویسنده فرانسوی، در اثر مشهور خود «شازده کوچولو» می‌گوید: «هر آدم بزرگی هم روزی روزگاری بچه‌ای بوده: گیرم کمتر کسی از آن‌ها این را به یاد می‌آورد.» البته بسیاری از مردمان، با بزرگ شدن کمتر به دوره کودکی فکر می‌کنند و آن را به یاد می‌آورند اما واقعیت این است که حوادث و اتفاقات این دوره، تأثیر بسیاری بر رفتارها، عادت‌ها و حتی نگرش افراد در آینده دارد. به همین دلیل است که به منظور حمایت از کودکان به‌عنوان یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه و ایجاد فضایی امن و با نشاط برای آن‌ها، روز هشتم اکتبر (شانزدهم مهر) به‌عنوان روز جهانی کودک انتخاب شده است. در کشور ما نیز هم‌زمان با این روز، سازمان‌های مرتبط با مسائل کودکان برنامه‌های متنوعی را تدارک می‌بینند. امسال هم چند روز پیش از روز جهانی کودک، نخستین همایش ملی کودکی در ایران با همکاری چند مؤسسه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد که در ادامه گزارش بخشی از آن را می‌خوانید.



عکس: رضا بهرامی



دکتر معین:

از یک میلیارد کودک در جهان، ۶۵۰ میلیون نفر در فقر مطلق یعنی درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند

نخستین همایش ملی کودکی در ایران، با همکاری مؤسسه رحمان، انجمن حمایت از حقوق کودکان، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، شورای کتاب کودک و مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا هفتم و هشتم مهرماه در مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد. در این همایش دو روزه، صاحب‌نظران، پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه کودکی در ایران، به تعامل و گفت‌وگو پرداختند.

ما مدیون کودکانیم

در مراسم افتتاحیه این همایش دکتر مصطفی معین، رئیس همایش، با تبریک روز جهانی کودک و با مروری بر مسئله کودک و کودکی گفت: «کودکی دوره متمایزی از سال‌های دیگر زندگی است و البته کودکان آسیب‌پذیرترین گروه سنی در جامعه نیز محسوب می‌شوند که باید حقوق شهروندی‌شان از طریق جامعه به رسمیت شناخته شود. کودکی دوره رشد و نمو، دوره بازی و نشاط و دوره یادگیری و پرورش استعداد است و از این نظر کودک باید در محیط گرم خانوادگی، آموزشی و تربیتی قرار گیرد.»

وی افزود: «کودک به نگاه صدقه‌ای یا ترحم‌آمیز نیازی ندارد بلکه حقوقش باید به رسمیت شناخته شود. نلسون ماندلا، که از جمله حامیان حقوق کودکان بود، می‌گوید: ما مدیون کودکانمان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین شهروندان در هر جامعه‌ای هستیم که دنیایی آزاد از خشونت و ترس برایشان فراهم کنیم.» دکتر معین با اشاره به نگاه به کودک و کودکی در قرون وسطا گفت: «پژوهشگران و محققان جامعه‌شناسی با توجه به نتایج تحقیقات دهه‌های اخیر معتقدند در قرون وسطا دوره کودکی به‌عنوان دوره‌ای متفاوت از زندگی شناخته نمی‌شد و مورد غفلت و فراموشی بود. در آن دوره، کودکان پا به پای بزرگسالان کار می‌کردند، در محیط خانه و کار تنبیه می‌شدند، مورد خشونت واقع می‌شدند، به دلیل نبود بهداشت و تغذیه مناسب تلفات زیادی داشتند و به شکل‌های گوناگون حقوقشان تضییع می‌شد. در دوران انقلاب صنعتی به تدریج فرهنگ و گفتمان کودکی متحول و کودک به‌عنوان سرمایه انسانی جامعه مطرح می‌شود. حتی از نظر جامعه‌شناسان به‌عنوان یک سازه و پدیده اجتماعی مطرح می‌شود که در

تعامل فعال با محیط اجتماعی خود رشد می‌کند و شکل می‌گیرد.» وی در ادامه به برخی دلایل تغییر جایگاه و گفتمان کودکی اشاره کرد و گفت: «جنگ‌های جهانی اول و دوم که در آن‌ها کودکان مانند زنان آسیب زیادی دیدند باعث ایجاد جنبش‌های مدنی در ارتباط با حقوق زنان و کودکان شد. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، تصویب اعلامیه جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۵۹، تصویب پیمان‌نامه حقوق در سال ۱۹۸۹، گسترش رسانه‌های جمعی که مسائل کودکان را در سطح جهانی انعکاس می‌دهند، تغییرات دموگرافیک مانند کمتر شدن تعداد فرزندان، کاهش مرگ و میر کودکان، آموزش اجباری کودکان در مدارس و...، تصویب اعلامیه جهانی زندگی سالم در حمایت از کودکان در سال ۱۹۹۰، تصویب کنوانسیون ممنوعیت و لغو بدترین شکل‌های کار کودکان، و نیز تصویب اعلامیه جهانی مطلوب برای کودکان در سال ۲۰۰۲ باعث ایجاد تغییر و تحول در نگاه به کودک و مسائل کودکی شد.»

۶۵۰ میلیون کودک در فقر مطلق

دکتر مصطفی معین، رئیس همایش کودکی در ایران، در ادامه به میزان فقر در میان کودکان اشاره کرد و گفت: «از یک میلیارد کودک در جهان، ۶۵۰ میلیون نفر در فقر مطلق، یعنی درآمدی کمتر از یک دلار در روز، زندگی می‌کنند؛ کودکانی که از داشتن سرپناه، بهداشت، دسترسی به منابع اطلاعاتی، آب و غذای سالم و آموزش محروم‌اند. در مناطق روستایی این وضع بدتر است. در کشورهای جهان سوم که شهرنشینی و زاغه‌نشینی در حال گسترش است، چه بسا





حداکثری برای همه
کودکان؛ دوم عدم
تبعیض به مفهوم
همه حقوق برای
همه کودکان؛ سوم تأکید
حداکثری تصمیمات دولتها

و جوانان نسبت به
حقوق و تکالیفشان
از دیگر راهکارهاست.
همچنین، یکسان‌سازی
قوانین و مقررات در
متون حقوقی، قضایی،



مدنی درباره سن کودکی،
گسترش فعالیت‌های نهادهای مدنی،
دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی در زمینه
مطالعات کودکی و حقوق کودکان
از نظر زیستی، تعلیم و تربیت با نگاه
روان‌شناختی، جامعه‌شناختی با
همکاری‌های میان رشته‌ای.»

کودکان اولویت‌های ملی هستند

در بخش بعدی همایش، پیام
مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، که
از دست‌اندرکاران برگزاری همایش
بود، قرائت شد. در این پیام آمده
بود: «کودکان به مفهوم کودکی در
این سرزمین ناشناخته‌اند و علاوه بر
ناشناختگی مفهوم، جایگاه متضاد و
متناقضی هم دارند. به نظر می‌رسد در
فرهنگ ما باور یکپارچه‌ای نسبت به
کودکان وجود نداشته و هنوز هم ندارد.
در بسیاری از آثار بزرگان، کودکان با
چارپایان و دیوانگان مقایسه شده‌اند. از
سوی دیگر، در منابع بسیاری در وصف
آداب و رفتار متعالی با کودکان پندهای
ارزشمند داریم. وضعیت و جایگاه کودک
در فرهنگ عامه هم این تضاد و تناقض
را دارد. به طوری که در همین لحظه این
طیف گسترده برای کودک وجود دارد.
همان‌قدر که کودکان مورد سوء استفاده
قرار می‌گیرند، جریان‌هایی وجود دارند
که برای حق مشارکت کودکان به‌عنوان
شهروندان مؤثر فعالیت می‌کنند.»
در ادامه این پیام آمده بود: «مفهوم
کودک و کودکی در هر فرهنگ و
جامعه‌ای از باوری که نسبت به انسان و
زندگی انسان وجود دارد نشئت می‌گیرد.
در جامعه و سرزمینی که حقوق زنان،
مردان، سالمندان، اقلیت‌ها و گروه‌های

و مجالس بر حفظ منافع و مصالح
کودکان - که به معنای تضمین کودک
محوری در خانواده و جامعه است - و
چهارم، حق مشارکت کودکان در
تصمیماتی که به آن‌ها مربوط می‌شود.»
رئیس نخستین همایش ملی کودکی
در ایران در ادامه به وضع حقوق
کودکان در کشورهای جهان اشاره کرد
و افزود: «از میان هشت هدف توسعه
هزاره سوم، هفت مورد به‌طور مستقیم
یا غیرمستقیم به کودکان مربوط
می‌شود اما حتی اگر امسال هم که سال
پایانی اهداف توسعه هزاره سوم است به
آمارها دقت کنیم، می‌بینیم که وضعیت
کودکان به هیچ وجه مطلوب نیست. هم
در کشورهای جهان سوم و تا حدودی
کشورهای در حال توسعه و حتی
کشورهای جهان اول کماکان شاهد
سوء استفاده از حقوق کودکان هستیم.
در این میان، ایران وضع متوسطی
دارد. البته با توجه به شرایط فرهنگی
و تمدنی ایران، و استعداد انسانی ما
علی‌الاصول وضعیت کودکان در کشور
ما باید وضعیت مطلوبی باشد.»

راهکارهای ارتقای جایگاه کودکی

دکتر مصطفی معین در ادامه سخنان
خود، به راهکارهای ارتقای جایگاه و
حقوق کودکان در کشور اشاره کرد
و گفت: «آموزش خانواده‌ها نسبت
به نقش و جایگاه حقوق کودکان گام
نخست در این راه است. آموزش‌های
اجتماعی درباره برابری حقوق شهروندی
کودکان با بزرگسالان، آشنایی مسئولان
دولتی نسبت به مفهوم جدید کودکی و
سازوکارهای رفع موانع حقوق شهروندی
کودکان و نیز آگاهی کودکان، نوجوانان

دکتر ذکایی:

**کودکی یک هویت و ذات یکدست و
یکنواخت ندارد بلکه در خلال تحولات
اجتماعی و در متن اجتماع و تعاملات
روزمره است که از نو ساخته می‌شود**

وضعیت زاغه‌ها از روستاها بدتر باشد.
در خاور نزدیک فقر مطلق حدود ۵۰
درصد از کودکان روستایی را درگیر
کرده است. با وجود این به رغم پیشرفت
علم و فناوری در چند دهه گذشته
فاصله‌ها و نابرابری‌ها در حال عمیق
شدن است؛ به طوری که گروهی که ۲۰
درصد نخست دنیا (از لحاظ اقتصادی)
هستند، ۷۴ درصد ثروت جهانی را در
اختیار دارند. از سوی دیگر، ۲۰ درصد
پایین اقتصادی جامعه فقط به یک و نیم
درصد ثروت جهان دسترسی دارند.»

اصول محوری کنوانسیون حقوق
کودک از دیگر موضوعاتی بود که دکتر
معین به آن اشاره کرد: «کنوانسیون
حقوق کودک چهار اصل محوری دارد:
نخست حق زندگی، رشد و پرورش

مختلف اجتماعی دیده می‌شود، می‌توان منتظر رخدادهای خوب به نفع کودکان بود. به همین دلیل، لازم است یک بار جسارت کنیم و مفهوم کودکی را به باورمان از انسان و به درکمان از زندگی ربط دهیم.»

تسری نافع، که به نمایندگی از سوی هیئت مدیره مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا این پیام را قرائت می‌کرد، ادامه داد: «براساس سال‌ها کار مستقیم و غیرمستقیم، متمرکز و غیرمتمرکز در گوشه و کنار این سرزمین برای ما بسیاری از اصول در مواجهه با کودکان شکل گرفته است؛ از جمله اینکه کودکان فقط مجموعه‌ای از عصب و ماهیچه و استخوان نیستند بلکه ترکیبی از عواطف، هیجان‌ها و احساسات متنوع‌اند که هر رفتار ما واکنش منحصر به فردی

در آن‌ها به وجود می‌آورد. دیگر اینکه کودکان حضوری متفاوت دارند و به راستی منحصر به فردند و به واسطه تفاوت‌های فردی‌شان نمی‌توانیم از قانون‌های یکدست، غیر منعطف، ازلی و ابدی و از پیش تعیین شده در مورد آن‌ها استفاده کنیم. کودکان مجموعه‌ای از نیازهای عمومی، فردی، فرهنگی و اجتماعی دارند که لازم است این نیازها را دید و براساس آن‌ها در هر منطقه برنامه‌ریزی کرد. از همه مهم‌تر اینکه آینده این سرزمین نیازمند آن است که کودکان از سوی سازمان‌های دولتی، دانشگاهیان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در اولویت‌های ملی قرار گیرند؛ در غیر این صورت، آینده متفاوتی در انتظار ما نخواهد بود. امیدواریم این همایش فرصتی باشد که

صدای کودک، انسان و زندگی را دوباره بشنویم.»

کودکی را ما می‌سازیم

دکتر محمدسعید نکایی، دبیر علمی همایش، یکی دیگر از سخنرانان بود. وی در سخنان خود به سنت مطالعات کودکان و کودکی و نیز معرفی رویکردهای این سنت پرداخت و گفت: «نگاه به کودکان و کودکی متأثر از تحولات مدرنیسم و مدرنیته است و اساساً در صد سال اخیر، مدرنیسم مطالعه و توجه به کودکان را ترویج و تغییر داده است. گرچه میان مطالعات کودکی و مطالعات کودکان مرزبندی لغزانی وجود دارد اما هر دو در حوزه‌های دانشگاهی غربی کمتر از دو دهه قدمت دارند. در مطالعات کودکان مسائل کودکان در کلیت خود مطالعه می‌شود و وجود زیستی، پزشکی، روان‌شناختی، نسلی، حقوقی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کودکان مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ یعنی با رشته‌ای بسیار گسترده روبه‌رو می‌شویم. اما مطالعات کودکی برش کوچک‌تر و محدودتری است. کانون توجه این مطالعات تلقی کودکی به مثابه سازه‌ای اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی و تاریخی است. پرسش‌های اصلی در این مطالعات این است که کودکی چگونه یک برساخت اجتماعی است و ما چگونه کودکی را می‌سازیم، چرا که با گفت‌وگوهایی که در خانواده یا جامعه و فضای عمومی شکل می‌گیرد و نیز گفت‌وگوهایی که رسانه‌ها ترویج می‌دهند، کودکی شکل می‌گیرد و در واقع، ما هستیم که کودکی را می‌سازیم.»

وی افزود: «کودکی هویت و ذاتی یکدست و یکنواخت ندارد بلکه در خلال تحولات اجتماعی و در متن اجتماع و تعاملات روزمره است که ساخته و از نو ساخته می‌شود. در مطالعات کودکی تأکید بر وجه ساخته و برساخته بودن است. این نگاه، نگاه مدرن و حتی فرامدرنی به کودکی است. مطالعات

دکتر نکایی:

در واقع، شناخت امروز ما از کودک و کودکی برگرفته از فضایی است که روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی رشد آن را ارائه داده است





کودکی، کودکی را تنها یک مقولهٔ محلی نمی‌بینند. در این مطالعات، اگر از فقر و محرومیت یا فرصت‌ها صحبت می‌کنیم نگاهمان جهانی و بین‌المللی است؛ چون گفتمان کودکی گفتمانی جهانی است. نمی‌توان انتظار داشت که فضا و تجربهٔ کودکی در ایران فارغ از تأثیرپذیری‌هایش از متن کلان جهان بررسی و دیده شود. بنابراین، مطالعات تطبیقی فرهنگ کودکان، تأثیرات فرهنگ رسانه‌ای بر کودکان، مناسبات قدرت در سطوح مختلف بین کودکان و والدین از جمله دستورات کارهای مهم این فضا و سنت رشتهٔ مطالعات کودکی است.»

رویکردهای مطالعات کودکی

رویکرد روان‌شناسی رشد به مطالعات کودکی پرداخته است. دکتر ذکایی در این باره گفت: «باید بپذیریم سهم روان‌شناسی در فهم و درک امروز ما از کودکی از سایر رویکردها تأثیر بیشتری داشته است. به هر حال، روان‌شناسی رشته‌ای بود که علمی تر جلوه می‌کرد، با سنجش و اندازه‌گیری دقیق بیشتری سر و کار داشت، بیشتر به عمل و مداخله معطوف بود، به کمک آن می‌شد مهربان‌های کودک و مراکز مشاوره را مدیریت کرد و سعی می‌کرد تصویری عام و جهانی از کودک و کودکی ارائه دهد. در واقع، شناخت امروز ما از کودک و کودکی برگرفته از فضایی است که روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی رشد آن را ارائه داده است.» وی دربارهٔ مطالعات کودکی در ایران نیز گفت: «هنوز سند مستقلی در ارتباط با مطالعات کودکی در ایران شکل نگرفته است تا بتوانیم بر اساس آن نقد و بازاندیشی نسبت به جایگاه کودک و کودکی در ایران داشته باشیم. یکی از دلایل این موضوع غلبهٔ

رویکردهای درمانی و آسیب‌شناختی در این حوزه است. در این نگاه، کودکان عموماً به عنوان قربانی شناخته شده‌اند و البته این، بیش از اندازه بازنمایی شده است. دستاورد محدود نظری در حوزهٔ مطالعات کودکی و نیز پیوند ضعیف بین رشته‌ای در ایران هم مانع تنوع بخشی به دستور کارها است. توجه به این حوزه‌ها می‌تواند چشم‌انداز و افق بسیار خوبی برای تأمل بر این گروه و عرصهٔ مهم از حیات اجتماعی فراهم کند.»

تصویر کودکی؛ از تبلیغات تا فلسفه

در آخرین بخش از نخستین همایش ملی کودکی در ایران میزگرد علمی با حضور چند تن از پژوهشگران و محققان حوزهٔ کودک و کودکی و با مدیریت دکتر ذکایی برگزار شد. در این میزگرد پژوهش‌هایی ارائه شد؛ از جمله: «بررسی تصویر کودکی در برنامهٔ کودک تلویزیون» از آزاده سالمی، «از موقعیت کودکی تا نقش مردانه؛ بازنمایی کودکی و نقش‌های جنسیتی در تبلیغات تلویزیونی» از آرش حسن‌پور، «واکاوی مفاهیم «کودکی»، «خود» و «دیگری» در کتاب‌های تصویری داستانی ایرانی» از عادل خلیفی، «انعکاس تصویر کودک در برنامهٔ فلسفه برای کودکان جنسی و تکالیف دختران شهرستان قم» پژوهشی از محمدرضا تمسکی. آزاده سالمی در پژوهش خود به بررسی تصویر کودکی در چند برنامه کودک تلویزیون پرداخته بود. وی ابتدا به چند رویکرد دربارهٔ کودکی اشاره کرد که عبارت بودند از کودک مینیاتوری، نگاه ذات‌گرایانه، رفتارگرایانه، روان‌شناسی رشد، کارکردگرایی، رویکرد زوال کودکی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی کودک. وی دربارهٔ نتیجه بررسی خود گفت: «بعضی از ایماژهای کودکی در برخی از برنامه‌های کودک ثابت‌اند. پربسامدترین این نوع

کودک «کودک یادگیرندهٔ جامعه‌پذیر»، «کودک به مثابهٔ کالا» و «کودک گلوله برفی» است. اما در برخی دیگر از برنامه‌ها، ایماژهای کودکی متحول می‌شوند که عمدتاً تغییر ایماژ کودک معصوم به کودک یادگیرندهٔ جامعه‌پذیر است.»

آرش حسن‌پور، محقق دیگری بود که پژوهش خود با عنوان «از موقعیت کودکان تا نقش مردانه؛ بازنمایی کودکی و نقش‌های جنسیتی در تبلیغات تلویزیونی» را ارائه داد. وی گفت: «رسانه‌های جمعی ابزاری برای انتقال ارزش‌ها، نمادها و پیام‌هاست. تبلیغات هم به عنوان بخشی از برنامه‌های رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون فراسوی وجه تجاری و اقتصادی، بعد ایدئولوژیک، فرهنگی و معناسازانه نیز دارند. پرسش اصلی در این پژوهش آن است که بازنمایی جنسیتی کودک دختر و پسر در تبلیغات تلویزیون چه تمایزی با هم دارند.» این محقق با بررسی برخی تبلیغات تلویزیونی چنین نتیجه‌گیری کرد: «در این تبلیغات فرادستی جنس مذکر



دانایی و فعالیت) و فرودستی جنس مؤنث (انفعال، نظاره‌گری، سکوت و خاموشی، تسلیم و پذیرش) مشهود است. بازتولید حضور اسطوره‌ای زن در فضای خانه، ایماژ تملک و تسلط مردان در قلمرو خارج از خانه، فعال بودن جنس مذکر و فعالیت مشروط و محدود به خانه در جنس مؤنث نیز از دیگر موضوعاتی است که در این تبلیغات به چشم می‌خورد. در این تبلیغات پسر بچه‌ها موقعیتی مسلط، فعال و قدرتمند دارند و به نوعی مرجع قدرت محسوب می‌شوند.»

سعید ناجی هم در بخش دیگری از مراسم، پژوهش خود را با عنوان «انعکاس تصویر کودکی در برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان» ارائه داد. وی گفت: «در برنامه فلسفه برای

کودکان، کودکان فلاسفه بالذات معرفی می‌شوند. این برنامه همچنین تعریف متفاوتی از تعلیم و تربیت ارائه می‌کند که حدود ۶۰ سال است در کشورهای گوناگون پیگیری می‌شود. ما نیز در ایران فعالیت‌هایی در این زمینه انجام داده‌ایم و می‌توان گفت جزء چند کشور نخست آسیا در این زمینه هستیم. این برنامه تعلیم و تربیت را معادل تحقیق و کشف و کاو می‌داند. در واقع، هدف تعلیم و تربیت تغییر می‌کند و تنها انتقال کشفیات گذشتگان به ذهن کودکان مدنظر نیست.»

ناجی با بیان اینکه رویکرد برنامه فلسفه برای کودکان تأملی و گفت‌وگو محور است ادامه داد: «این برنامه تقویت مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی را از طریق کند و کاو جمعی در کلاس

پی می‌گیرد. در این برنامه کودکان انسان‌های ناقص تلقی نمی‌شوند که در بزرگسالی کامل می‌شوند بلکه شاید برعکس باشد. در این برنامه، کودکان می‌توانند با تفکر انتزاعی سروکار داشته باشند و تفکر مرتبه دوم (تفکر درباره تفکر) داشته باشند. آن‌ها توانایی‌های منطقی دارند و می‌توانند کند و کاو کنند.»

وی تأکید کرد: «در برنامه فلسفه برای کودکان کنجکاوی برای شناخت جهان در کودکان ذاتی است و به همین منظور است که پرسشگری و کندوکاو را در پیش می‌گیرند اما در بزرگسالان عموماً کنجکاوی از بین می‌رود و اگر بزرگسالان فلسفه‌ورزی می‌کنند، به کمک کنجکاوی کودکانه‌شان است.»

کودکان حضوری متفاوت دارند و به راستی منحصر به فردند و به واسطه تفاوت‌های فردی‌شان نمی‌توانیم از قانون‌های یک‌دست، غیر منعطف، ازلی و ابدی و از پیش تعیین شده استفاده کنیم

